

نقش زنان در نقل احادیث رسول الله ﷺ

دکتر نهلہ غروی نائینی

naeeni_n@yahoo.com

چکیده: باور غالب دربارهٔ محدثان زن چنین است که زنان احادیث زیادی نقل نکرده‌اند و اگر هم نقلی داشته‌اند، بیشتر در مسائل احکام فقهی زنان بوده است، در حالی که تحقیق و تفحص دقیق در احادیث نقل شده از پیامبر اکرم (ص) خلاف این مدعا را ثابت می‌کند و آشکار می‌نماید که همسران رسول الله (ص) و زنان صحابی آن حضرت در بیان و نقل احکام مربوط به زنان و مسائل تربیتی، اخلاقی، سیاسی، حقوقی، عبادی، دفاعی، نقش بسزایی داشته‌اند.

در این مقاله هم به نقش زنان در نقل حدیث رسول الله (ص) پرداخته‌ایم و هم این جستار چکیده‌گسترده‌ای است در باب زنان راوی رسول الله و احادیث نقل شده از سوی آنان، و از میان آنان - به یمن چهارده معصوم - و به ترتیب نامشان از حرف الف تا دال تعداد ۱۴ تن از زنانی را آورده‌ایم که در موضوعات متنوع‌تر احادیث بسیاری از آنان نقل شده است.

کلید واژه‌ها: زنان، صحابی، حدیث، بیعت، صحابیات.

مقدمه

همواره در تاریخ شاهد حضور زنان در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و علمی هستیم که نقش اساسی آنان در اجتماع همچنان برجاست. زنانی که ارزشهای فراوانی را در دوران

زندگانی خویش آفریدند و به فراخور تواناییهایشان رسم فرزنگی و نقش خویش را در تاریخ به اثبات رساندند.

تاریخ فرازهای زندگی مردان نامی را نیز نتوانسته به خوبی و شایستگی ترسیم کند تا چه رسد به زنان فرزانه‌ای که بسیاری از آنان در گمنامی زیسته و با گردش روزگار به فراموشی سپرده شده‌اند و حتی نام واقعی آنان در دفتر تاریخ برجا نمانده است. با این حال، بررسی آنچه بر جای مانده گویای این واقعیت است که شخصیت‌های ارزشمند و بافضیلت فراوانی در تاریخ زنان مسلمان ظهور کرده‌اند.

آمار زنان صحابی رسول الله ﷺ در کتاب‌های مختلف رجالی و کتاب‌هایی که به معرفی اصحاب پیامبر اکرم ﷺ پرداخته‌اند متفاوت است، چنان که در کتاب استیعاب فی معرفة الاصحاب ۱۱۱ زن و در کتاب اسدالغابه فی معرفة الصحابه ۲۱۵ زن و در کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه ۳۹۷ زن در مقام صحابی معرفی شده‌اند. از طرفی کتاب‌های رجال شیعه تعداد بسیار اندکی از زنان صحابی پیامبر ﷺ را نام برده‌اند، مثلاً در کتاب رجال شیخ طوسی که بیشترین آمار در این زمینه را در میان کتاب‌های رجال شیعه دارد، ۳۸ زن صحابی رسول الله ﷺ معرفی شده است. وجود چنین زنانی از سویی اثبات توانایی زنان و از سوی دیگر اسوه‌ای برای رسیدن زنان در دستیابی به فضایل معنوی و سرمایه‌های فرهنگی است.

شرح حال این بانوان مؤمن و حامی گفتار و رفتار پیامبر اکرم ﷺ در این مقاله به گونه‌ای مختصر و فقط جهت آشنایی با خصوصیاتشان بیان شده است، زیرا که هدف از این مجموعه بیشتر ارائه کردن احادیثی است که در موضوعات مختلف نقل کرده‌اند. در این مقاله تعداد ۱۴ تن از زنان راوی رسول الله ﷺ — به برکت چهارده معصوم علیهم‌السلام از حرف الف تا دال — که دارای ویژگی‌های برتر و احادیث منقول در موضوعات متنوع‌تر بوده‌اند انتخاب شده است تا دریابیم پیش از این، فعالیت‌های علمی و ترویجی زنان مسلمان در چهارده قرن چگونه بوده است و آیا زنان مسلمان تنها نقش ماندن در پستوی خانه را داشته یا عضو فعال جامعه بوده‌اند؟

با اینکه درباره بزرگ بانوی اسلام حضرت خدیجه رضی‌الله‌تعالی‌عنها بارها سخن رفته و کتاب‌ها

نوشته شده است، اما به سبب شأن و جایگاه این اولین ایمان آورده به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حامی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که مال و جان خود را هدیه به اسلام و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کرد، شایسته دیدیم که نام آن حضرت را در این مجموعه بیاوریم.

نقش صحابیات

با توجه به دستورات قرآن و سیره پیامبر اکرم که مسلمانان را به آموختن علم و دانش تشویق کرده‌اند، زنان مسلمان صدر اسلام نیاز خود را به آموختن علم و دانش احساس کرده و به فراگیری حدیث و سنت آن حضرت (علم) اهمیت داده و به آن پرداخته‌اند و چون در جلسات و عظ و آموزش رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با ازدحام مردان روبه‌رو شدند و استفاده از محضر آن حضرت مشکل و امکان سؤال کردن و شنیدن پاسخ تقریباً ناممکن شد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درخواست جلساتی را کردند که مخصوص بانوان باشد، حضرت هم به ایشان فرمودند «اجتمعن فی یوم کذا و کذا» (مسلم ۱۹۷۲: ج ۴، ۲۸، ۲۰). در فلان روز و فلان روز جمع شوید، بدین ترتیب جلساتی به بانوان اختصاص یافت.

طبق فرمایش رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «اللهم ارحم خلفایی، ثلاث مَرَّات» قیل له: «یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و من خلفاؤک؟» قال: «الذین یأتون من بعدی و یروون احادیثی (یتبعون حدیثی) و سنتی» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۴۴). سه بار فرمود: «بار خدایا جانشینان مرا مورد رحمت قرار ده». سؤال شد آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: «آنان که بعد از من می‌آیند و احادیث و سنت مرا می‌نگرند» — البته این مطلب شامل زنان نیز هست — زنان نیز به نوبه خود بعد از فراگیری علم و دانش از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با صداقت در روایت به نشر احادیث آن حضرت پرداختند و در زمره راویان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گرفتند. آنان در انتقال کلام، سنت و تقریر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقش بسزایی ایفا کردند و با بیان احادیثی که از آن بزرگوار شنیدند نه تنها سنت آن حضرت را زنده نگاه داشتند بلکه در بسیاری از موارد مدافع حق اهل بیت و بازگوکننده فضایل و مناقب معصومین علیهم السلام، آموزش احکام حلال و حرام و واجبات زنان و مردان جامعه، مسائل اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و دفاعی بودند.

باید گفت که زندگی روزمره ما انسان‌ها، شامل مسائل حلال و حرام و احکام مختلف است. اگر به دقت به زندگی فردی و اجتماعی خود بنگریم، درمی‌یابیم که در روابط خانواده (همسران، مادر و فرزند، پدر و فرزند، فامیل درجه اول و غیر آن) اصول و قوانینی از مسائل اخلاقی، بهداشتی، ارث، امانت‌داری و... برقرار است که همه آن‌ها ذیل احکام و دستورات حلال و حرام جای می‌گیرد. در روابط اجتماعی میان افراد جامعه (همسایگان، همکاران و...) از مسائل اخلاقی، بهداشتی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی و... نیز باز احکام و دستورات حلال و حرام، مستحب و مباح و مکروه و... برقرار است.

در این پژوهش ابتدا در شرح حال و احادیث دقت کرده‌ایم تا بدانیم از میان قریب ۴۰۰ زن صحابی کدام راوی — کلام و عملکرد — رسول خدا ﷺ بوده‌اند و احادیث نقل شده از جانب آنان در چه زمینه‌ای بوده است. در این تحقیق به نام ۹۵ تن از زنان صحابی راویان حدیث پیامبر اکرم ﷺ که نامشان در محدوده حرف الف تا دال بوده است، دست یافته‌ایم که اسامی آنان به شرح ذیل است:

آمنة بنت ارقم؛ آمنة بنت محسن اُسدی؛ ابنة حارث بن عامر نوفلی؛ اخت عمره بنت عبدالرحمن؛ اروی بنت انیس؛ اروی بنت حارث هاشمی؛ اروی بنت ربیعہ هاشمی؛ اروی بنت کریز؛ اسماء انصاری؛ اسماء بنت ابوبکر قریشی؛ اسماء بنت زید قریشی؛ اسماء بنت سعید قریشی؛ اسماء بنت سلامة تمیمی؛ اسماء بنت شکل انصاری؛ اسماء بنت عمیس خثعمی؛ اسماء بنت یزید بن سکن انصاری؛ اسماء بنت مخزبه تمیمی؛ اسماء بنت مرثد حارثی؛ اُسیره انصاری؛ اُسیره بنت عمرو فهري، اُمامة بنت حمزه هاشمی، اُمامة بنت مزیدی، اُمة الله بنت اُبی بكرة ثقفی؛ اُمة بنت اُبی حکم غفاری؛ اُمة بنت خالد قریشی، امیمة بنت خطاب قریشی؛ اُمیمة بنت رُقیة انصاری؛ اُمیمة مولاة رسول الله؛ اُنیسه بنت حُبیب انصاری؛ اُنیسه بنت عدی انصاری؛ اُنیسه بنت کعب انصاری؛ اُنیسه نخعی؛ بادیه بنت غیلان ثقفی؛ بُدیه بنت مسلم انصاری؛ بُرکة بنت ثعلبه حبشی؛ بُرة بنت اُبی تجرأة عبدري؛ بُرة بنت اُمیه خزاعی؛ بريرة جارية عایشه؛ بسرة بنت صفوان قریشی؛ بقيرة امرأة قعقاع انصاری؛ بنت واثلة بن الاسقع؛ بهیة بنت بسر مازنی؛ بهیة بنت عبدالله بکری؛ تملک

شیبی عبدری؛ قیمه بنت وهب قرظی؛ ثبیه بنت ضحاک انصاری؛ ثبیه بنت یسار انصاری؛ جدامة بن وهب اسری؛ جلیله بنت عبدالجلیل؛ جمرة بنت عبدالله حنظلی؛ جمرة بنت قحافة کندی؛ جمرة بنت نعمان عدوی؛ جمیلة بنت ابی انصاری؛ جمیلة بنت ابی جعل مخزومی؛ جمیلة بنت اوس مرئی؛ جمیلة بنت سعد انصاری؛ جویره بنت حارث خزاعی؛ جویره بنت مجمل قریشی؛ جهدمة امرأة بشیر سدوسی؛ حبیبة بنت ابوسفیان؛ حبیبة بنت ابی تجرأة عبدری؛ حبیبة بنت سهل انصاری؛ حبیبة بنت جحش اسدی؛ حرة بنت حلیمه سعیدی، حسانة مدنی؛ حفصة بنت عمر قریشی؛ حقة بنت عمرو؛ حلیمه بنت ابو ذؤیب سعیدی، حمنة بنت جحش اسدی؛ حواء ام بجد انصاری؛ حولاء؛ حولاء بنت تویت قریشی؛ خالدة بنت اسود قریشی؛ خالدة بنت انس انصاری، خالدة ابن حرمله؛ خدیجه بنت خویلد قریشی؛ خرنیق بنت حصین خزاعی؛ خُلیده بنت قیس دهمانی؛ خُلیده بنت قعنّب ضبی؛ خلیسه مولاة سلمان فارسی؛ خنساء بنت خدام انصاری؛ خولة؛ خولة بنت ثعلبه انصاری؛ خولة بنت حکیم انصاری؛ خولة بنت حکیم سلمی؛ خولة بنت عبدالله انصاری؛ خولة بنت قیس انصاری؛ خولة بنت قیس جهنی، خولة بنت یسار؛ خولة بنت یمان عبسی؛ خولة خادم رسول الله ﷺ؛ خیرة امرأة کعب بن مالک انصاری؛ خیره بنت ابی حدرد اسلمی؛ درة بنت ابی سلمة مخزومی؛ درة بنت ابی لهب هاشمی قریشی.

به هر حال به رغم توجه اندک به زنان راوی حدیث و نقش ایشان در نقل حدیث رسول الله ﷺ احادیث معتناهی از آنان در کتب مختلف حدیثی سراغ داریم که در این مجال به برخی از آنها و زمینه‌هایی که حدیث نقل می‌کردند پرداخته می‌شود، این گزینش مبتنی بر تنوع نقل در مباحث گوناگون است، زیرا هدف از این مقاله، بیان نقش آنان در نقل احادیث رسول ﷺ است. گزارش کوتاه شرح حال و احادیث زنان راوی رسول اکرم ﷺ که در این مقاله برگزیده شده‌اند، بدین صورت است:

زنان محدث و احادیث‌شان

۱. آمنه (ام قیس) بنت محسن خواهر عکاشة بن محسن — که در جنگ بدر شهید شد. وی از بانوانی است که اوایل ظهور اسلام در مکه مسلمان شد و با رسول خدا ﷺ بیعت

کرد و از جمله زنان صحابی و راوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به جهت آزار و اذیت مشرکین مکه همراه خانواده خویش به مدینه مهاجرت کرد (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۳۶۸؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۲۲۵ و ۴۸۵؛ همان، [بی تا]: ج ۲، ۶۲۳؛ همان [بی تا]: ج ۱۲، ۴۷۶). آمنه از روایان حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله است که در حدود ۲۴ حدیث از او در کتب حدیث ذکر شده است؛ برخی از احادیث نقل شده از آمنه در زمینه بیان حقایق از درون قبرها و امر رستاخیز و فضیلت جمع زیادی از مدفونان در قبرستان بقیع است. احادیثی در مسئله طهارت و پاکی و مداوای بیماری است. نمونه‌ای از این احادیث چنین است:

در فضیلت مدفونین قبرستان بقیع: آمنه (ام قیس) می‌گوید: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در راه همواری در مدینه که در آن راه، خانه‌ای نبود و به بقیع منتهی می‌شد، به من فرمود: «لترین هذه المقبرة یبعث الله منها سبعین الفاً یوم القيامة علی صورة القمر لیلة البدر، یدخلون الجنة بغير حساب» (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۸۱) «این مقبره را می‌بینی، خداوند در روز قیامت از آن هفتاد هزار نفر را برمی‌انگیزد که صورتی چون ماه در حالت بدر (درخشان و زیبا) دارند و بدون حساب‌رسی وارد بهشت می‌شوند».

مقصود حدیث افراد مؤمن و شهدای جنگ‌های مختلف هستند که تعدادشان بی‌شمار است و رقم هفتاد هزار نشان از کثرت است.

بخاری از ام قیس بنت محسن احکامی درباره طهارت نقل می‌کند: «با پسر من که هنوز غذا خور نبود (شیرخوار بود) و در آغوشم بود به حضور رسول خدا شرفیاب شدم، بچه را در دامن پیامبر نشاندم. بچه ادرار کرد. پیامبر فرمود: ظرف آبی آوردند و روی محل نجاست ریختند و آن را فشار ندادند» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۳۶۸؛ ابن سعد [بی تا]: ج ۸، ۲۴۲).

حدیث وی در مداوای بیمار چنین است: آمنه گفت: «با پسر من که از درد گلو رنج می‌برد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و از آن حضرت درخواست کمک برای بهبود فرزندم کردم»، حضرت فرمودند: «علی ما تدغرن أولادکن بهذا العلاق، علیکن بهذا العود الهندی، فان فیه سبعة اشفیة، منها ذات الجنب» (بخاری [بی تا]: ج ۲۰، ۲۱۲؛ ج ۸، ۲۴۲). «این چیز بی‌خاصیت چیست که به فرزندتان می‌دهید، شما را به عود هندی سفارش می‌کنم که هفت نوع مداوا دارد (شفا می‌دهد). یکی از آن‌ها شفای بیماری درد پهلوست».

در احکامی از زنان: درباره خون حیضی که به لباس می‌رسد از پیامبر ﷺ می‌پرسد، حضرت می‌فرماید: «حکمه بزلع و اغسلیه بماءٍ و سدر» (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۲۱۲؛ ج ۵، ۲۱) «با استخوان کتف آن را از بین ببر، سپس آن را با آب و سدر بشوی.» و احادیثی درباره سنت پیامبر ﷺ نقل کرده است (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۵، ۱۷۷).

۲. اخت عمره بنت عبدالرحمن، احادیثی در فراگیری قرآن از پیامبر اکرم ﷺ، آداب و سنت آن حضرت نقل می‌کند و چنین می‌گوید: «أخذت ﴿ق و القرآن المجید﴾ من رسول الله ﷺ يوم الجمعة وهو یقرأ بها علی المنبر فی کل جمعة» (مسلم ۱۹۷۲: ج ۲، ۵۹۵) «سوره ق را از رسول خدا ﷺ فرا گرفتم زیرا آن حضرت هر جمعه آن را بر منبر تلاوت می‌فرمود.»

۳. اروی بنت انیس، از زنان صحابی پیامبر اکرم ﷺ است که هشام بن عروه روایت کرده است؛ حدیثی در لزوم وضو گرفتن نقل کرده است، بدین مضمون: «قال رسول الله: من مس فرجه فلیتوضأ» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۷؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۲۲۶) «هر که فرج — محل دفع فضولات بدن — خود را لمس کند بایست (برای طهارت) وضو بگیرد.»

۴. اروی بنت حارث، بانویی با کلام فصیح و بلیغ و زنی باشجاعت و از مدافعان امر ولایت در دربار معاویه بود، هنگامی که خطبه می‌خواند اعجاز می‌کرد و چون سخن می‌گفت، ایجاز می‌نمود، در میان معترضین بر معاویه بن ابوسفیان خشن‌ترین خطبه‌ها و گفتارها را داشت که ابن طیفور در کتاب بلاغات النساء آن را به تفصیل آورده است (ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۲۲۷؛ ابن طیفور [بی تا]: ۲۴). وی دختر عموی رسول خدا ﷺ و از زنان، صحابی پیامبر و دوستداران اهل بیت. برخی از احادیثی که نقل کرده، چنین است: از رسول الله ﷺ در فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «أنت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لیس بعدی نبی» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۳۷، ۲۶۸) «نسبت تو

به من مانند نسبت هارون است به موسی (یعنی جانشین و برادر من هستی) با این تفاوت که پیامبری بعد از من نیست».

۵. اسماء بنت ابی بکر، بیست و هفت سال قبل از هجرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زاده و در اوایل ظهور اسلام در مکه مسلمان شد. او هجدهمین فردی بود که ایمان آورد و با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیعت کرد و از زنان بسیار مؤمن و راسخ در ایمان و شجاع بود، به او ذات النطاقین گویند، زیرا هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قصد هجرت به مدینه کردند، اسماء طعامی تهیه کرد لکن چیزی نیافت که غذا را در آن ببندد، لذا نطاق (سربند) خویش را دو قسمت کرد و با یکی طعام و با دیگری آب (توشه راه) را بست. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمودند: «أبدلك الله بنطاقك هذا نطاقين في الجنة» یعنی «خداوند در عوض نطاقت در بهشت به تو عوض دهد».

اسماء احادیثی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است که فریقین به آن اعتماد کرده‌اند. او سخنانی را از عایشه و صفیه بنت عبدالمطلب از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز روایت کرده است. اسماء بیش از صد سال عمر کرد و احادیث منقول او بیش از ۳۶ حدیث است، این احادیث درباره سیره و گفتار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام به دنیا آمدن حسین عَلَيْهِ السَّلَام (صدوق ۱۴۰۴: ۱۳۶؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۴۳)؛ نماز و صدقه دادن برای کسوف (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۵۴؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۹۰)؛ متعه (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۶۸؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۰۳)؛ سؤال و جواب در قبر (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۵۲؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۰۵)؛ نهی از مُثله کردن (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۰۶)؛ برگشتن مسلمانها از دینشان پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ مسائل زنان (نسایی [بی تا]: ۱۵۴، ۱۹۵)؛ ابن حنبل [بی تا]: ۳۴۶-۳۴۵، ۳۵۳)؛ عذاب قبر (نسایی [بی تا]: ۱۰۳)؛ مزدلفه و اقامت در آن و رمی جمره (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۴۷، ۳۵۱)؛ زکاة فطره (همان: ۳۴۶، ۳۵۵)؛ حج عمره (همان: ۳۴۸) و سایر موارد است.

حدیثی در طهارت و تمیزی امام حسین (ع) هنگام ولادت شیخ صدوق از فاطمه بنت حسین از اسماء بنت ابی بکر از صفیه بنت عبدالمطلب نقل کرده

است: «لما سقط الحسين من بطن امه و كنت وليتها (ع) قال النبي ﷺ: يا عمه هلمى الىّ ابني، فقلت يا رسول الله، أنا لم ننظفه بعد. فقال: يا عمه انت تنظفينه؟ انّ الله تبارك و تعالی قد نظّفه و طهّره» (صدوق ۱۴۰۴: ۱۳۶، مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۲۴۳). اسما از صفیه عمه پیامبر ﷺ چنین نقل می‌کند: «هنگامی که حسین به دنیا آمد، من مراقب (فاطمه بیست) بودم. پیامبر ﷺ فرمود: ای عمه فرزندم را به من بده. گفتم: ای رسول خدا! هنوز او را تمیز نکرده‌ام، فرمود: ای عمه تو می‌خواهی او را تمیز کنی؟ خداوند او را تمیز و پاکیزه و طاهره کرده است.»

حدیث درباره ازدواج موقت

شیخ حر عاملی از مسلم المقری نقل کرده که گفت: «دخلنا علی اسماء بنت ابی بکر فسألناها عن المتعه، فقالت فعلناها علی عهد رسول الله» (حر عاملی [بی تا]: ج ۱۴، ۱۴۴). «بر منزل اسماء دختر ابوبکر وارد شدیم و از او درباره متعه سؤال کردیم»، گفت: «در زمان رسول خدا انجام می‌دادیم». مقصود از متعه، نکاح موقت و یا عمره تمتع است.

حدیثی در بیان اینکه استعمال عطریات برای زن به جهت همسرش است طبرانی با سند خود از اسماء بنت ابی بکر روایت می‌کند که به دیدن خواهرش عایشه رفت، زمانی که شوهرش زبیر حضور نداشت. پیامبر ﷺ وارد شد و بوی خوش اسماء را استشمام فرمود و گفت: «ما علی المرأة أن تطیب و زوجها غائب» (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۰۴). «شایسته نیست که زنان در غیبت همسر بوی خوش (عطر) استفاده کنند». اسماء روایت کرده که از رسول خدا شنیدم که از مثله کردن نهی فرموده است (همان: ۱۰۶).

بخاری از اسماء دختر ابوبکر نقل می‌کند که همسر پیامبر ﷺ به آن حضرت عرض کرد: «یکی از ما لباسش را آلوده به خون حیض ببیند، چه باید بکند؟» فرمود: «لباس را دریاورد، آلودگی را با آب بشوید، پاکیزه‌اش کند. می‌تواند با آن نماز بخواند» قال: «تحتّه تقرصه بالماء و تنضحه و تصلی فیّه» (نسایی [بی تا]: ج ۱، ۱۵۴، ۱۹۵؛ ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۴۳-۳۴۶).

بخاری از اسماء نقل کرده که گفت: در زمان رسول خدا مادرم به خانه‌ام آمد و او مشرک بود، از آن حضرت درباره رفتارم با او سؤال کردم که مادر به من مهر می‌ورزد، از او پذیرایی کنم؟ پیامبر فرمود: «نعم صلی أمک» (بخاری [بی تا]: ۹۲۴؛ ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۵). «بله پذیرایی کن». اسماء می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «من کان منکنَّ یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا ترفع رأسها حتی ترفع الرجال رؤسهم، کراهیه أن یرین من عورات الرجال» (ابن داود [بی تا]: ج ۱، ۲۸۶). «هر کدام از شما زنان که به خداوند و روز آخرت ایمان دارید (در سجده نماز جماعت)، سر از مهر بردارید تا مردها سرشان را بلند کنند. چون لباس مردها به گونه‌ای بود که هنگام سجده رفتن و نشستن ممکن بود عورتشان پدیدار گردد».

درباره رمی جمره زنان اسماء می‌گوید: «انا رمینا الجمره بلیل» قالت: «انا کنا نصنع هذا علی عهد رسول الله» (همان: ۵۹۸).

اسماء هنگامی که زخمی پدیدار می‌شد رویش را با چیزی می‌پوشاند و می‌گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود برای بهبود، برترین است (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۵۰).

۶. اسماء بنت عمیس خثمی، خواهرام المؤمنین میمونه همسر رسول خدا ﷺ است که در آغاز پیدایش طلیعه اسلام مسلمان شد و با رسول الله ﷺ بیعت کرد و در سال پنجم هجری همراه همسرش جعفر به حبشه مهاجرت و زمان فتح خیبر به مدینه مهاجرت کرد. اسماء از زنان با منزلت و دوستدار اهل بیت پیامبر ﷺ و از سبقت گیرندگان در اسلام بود، رسول خدا ﷺ او را از اهل بهشت نامیدند (صدوق ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۶۳). پس از شهادت همسرش با ابوبکر ازدواج کرد و محمد بن ابی بکر را به دنیا آورد. پس از درگذشت ابوبکر به ازدواج علی بن ابی طالب رضی الله عنه درآمد.

از هنگامی که به مدینه وارد شد، روز و شب برای فاطمه چون مادر مهربان بود تا حدی که آن حضرت ﷺ بر او وصیت فرمود و بنا بر آن وصیت در شستن بدن مطهر حضرت زهرا رضی الله عنها به امیرالمؤمنین رضی الله عنه کمک کرد (ابن عبد البر [بی تا]: ج ۴، ۱۸۹۷)، در

قدرت ایمان چنان جایگاهی داشت که خلیفه اول وصیت کرد که پس از مرگش، اسما (همسرش) او را بشوید (ابن سعد [بی تا]: ج ۸، ۲۸۴-۲۸۱).

اسماء از جمله زنان رفیع روزگار بود، او فردی صبور، نجیب و فاضل بود و از نظر علمی نیز جایگاه رفیعی در میان زنان به خود اختصاص داده بود، در زندگی با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد و با شهادت همه موانع و مشکلات را پشت سر گذاشت. اسماء از جمله شاهدان قضیه فدک است و از تکذیب کنندگان حدیث: «نحن معاشر الانبیاء لانورث، ما ترکناه صدقه» یعنی «ما پیامبران ارث به جای نمی‌گذاریم، آنچه بر جای می‌گذاریم، صدقه است»، که ابوبکر تنها نقل‌کننده این حدیث است. این حرکت‌های سیاسی نشانه شهادت و رشادت چنین بانویی در برابر خلیفه است و بسیار ارزشمند است و در توان هر کسی نیست. ابراز حرف حق و ایستادگی در برابر ظلم از اعتقادات بسیاری از زنان مؤمن صدر اسلام بوده است.

اسماء بنت عمیس بیش از ۲۵ حدیث از پیامبر ﷺ نقل کرده که شیعه و عامه بر آن اعتماد دارند، طبرانی ۴۱ حدیث از راویان مختلف از اسماء بنت عمیس روایت کرده است که متن برخی از احادیث نظیر یکدیگر است (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۵۷-۱۳۲). بخاری نیز از او نقل کرده است (ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۱۲، ۳۹۸)؛ شیخ طوسی او را از اصحاب و راویان پیامبر ﷺ نامیده است (طوسی ۱۳۸۱: ۳۴). نمونه‌ای از احادیث نقل شده از سوی اسماء بنت عمیس عبارت‌اند از: حدیث منزلت: قال رسول الله ﷺ: «یا علی! انت منی بمنزلة هارون من موسی و لکن لانی بعدی» (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۴۷-۱۴۶). «ای علی نسبت تو به من مانند نسبت هارون است به موسی. لکن پس از من پیامبری نیست». «ان علیاً باب الهدی و الداعی الی ربی و هو صالح المؤمنین» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۸؛ صدوق [بی تا]: ج ۱، ۲۰۳). «علی پس از من در هدایت است و به سوی خدا دعوت می‌کند و او برقرار کننده صلح میان مؤمنان است».

اسماء بنت عمیس از راویان حدیث غدیر است و حدیقه بن یمان^۱ از او در اثبات

۱. حدیقه بن الیمان العبسی. متوفای سال ۳۶ هجری از ارکان اربعه گروندگان به امیرالمؤمنین، صاحب سر رسول الله و در منافقین و کسی که پیامبر ﷺ شهادت او را برابر شهادت دو تن اعلام فرمود (اردبیلی ۱۴۰۳:

ولایت بلا فصل علی بن ابی طالب علیه السلام چنین روایت می‌کند: بعد از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم از حجة الوداع بازگشتند، گروهی در منزل ابوبکر جمع شدند و صحبت کردند. اسما صدای آن‌ها را می‌شنید، آنان چنین اجماع کردند که از پذیرش ولایت علی سر باز زده، خود امر خلافت را بر عهده بگیرند. آن‌ها به سعید بن عاص گفتند که بنویسد و او صحیفه را چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما اتفق عليه الملاء من أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله .. اتفقوا جميعاً بعد أن أجهدوا في رأيهم و تشاوروا في امرهم و كبوا هذا الصحيفة نظراً منهم الى الاسلام و أهله على غير الأيام و باقي الدهور...» «این عهدنامه‌ای است که جمعی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه در رأیشان کوشیدند و در امرشان مشاوره کردند، همگی بر آن اتفاق کردند. این عهدنامه را به عنوان نظریه خودشان در اسلام و بر مسلمانان روزگاران دگر و زمان باقی‌الغا کردند...» «ان ادعى مدع أن الخلافة لاتصلح إلا لرجال واحد من بين الناس و انها مقصورة فيه و لاتبغى لغيره لأنها تتلوا النبوة؛ فقد كذب لأن النبي صلی الله علیه و آله قال: "أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم" و ان ادعى مدعى...» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۸، ۱۰۴) یعنی «در پیمان‌نامه آن‌ها چنین نوشته شده بود: «از پذیرش ولایت علی سر باز زده، امر خلافت را خود بر عهده بگیرند... چنانچه کسی ادعا کند خلافت جز برای یک نفر از مردم شایسته نیست و به او اختصاص دارد و برای جز او نسزد، به این دلیل که دنباله نبوت است، دروغ گفته، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اصحاب من مانند ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید، هدایت می‌شوید».

چنانچه ملاحظه می‌شود، وی نقل‌کننده و شهادت‌دهنده یکی از مهمترین اخبار خلافت و سیاست و توطئه علیه آن است؛ چنین حقایق به وسیله چنین راویان صالح و صادق به نسل‌های بعد منتقل شد.

همچنین اسما ناقل احادیث در موضوعاتی مانند: احکام زنان (ابن ماجه ۱۹۷۵: ج ۲، ۱۱۴۵؛ ابن حنبل [بی‌تا]: ج ۶، ۳۶۹)؛ در ذم زورگویی، بخل، سرکشی، مخلوط کردن دین با شبهات، هوی و هوس و طمع (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۵۶)؛ ولادت و نامگذاری

حسین علیه السلام (حسون ۱۴۱۱: ۱۱۹): اثر چشم بد (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۵۵): فضایلی از علی علیه السلام (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۳۶، ۲۸، ۳۰): بهداشت: شهادت درباره فدک: حدیث غدیر (غروی نائینی ۱۳۷۵: ۳۴): حق ولایت: سیاست: خلافت: حدیث ردّ الشمس درباره امیرالمؤمنین علیه السلام (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۵۲، ۱۴۷): بخشیدن گردنبندی که حضرت فاطمه س از علی علیه السلام هدیه گرفته بود و رسول الله صلی الله علیه و آله دوست نداشت که دخترش چون جبابره بیوشد (محلاتی [ابی تا]: ج ۲، ۳۱۱): خبر شهادت حسین بن علی علیه السلام: در شأن و منزلت هجرت: توکل بر خدا: شهید و شفیع بودن رسول الله صلی الله علیه و آله در روز قیامت (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۵۶): استقامت در برابر مصیبت و سختی (کلینی [ابی تا]: ج ۲، ۵۵۶): خصال فاطمه (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۴۳، ۴۱): معرفی بدترین چیزها برای یک فرد که شامل: همسر بد، خانه بد و مرکب بد است (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۳۵، ۱۵۴: ج ۱۲، ۴۱۹).

اسماء بسیار صادق و درست گفتار بود. بزرگوارانی چون اما علی بن الحسین علیه السلام، قاسم بن محمد بن ابی بکر و فاطمه بنت علی بن ابی طالب و ابن عباس از او حدیث نقل کرده‌اند (غروی نائینی ۱۳۷۵: ۳۵).

حدیث گردنبدن زهرا س: اسماء بنت عمیس می‌گوید: «نزد فاطمه س بودم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شد. در گردن زهرا س گردنبندی بود که علی از سهم خویش از غنائم جنگی برای او خریده بود.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا فاطمه! لایغرنک الناس ان یقولوا بنت محمد و علیک لباس الجبابة» «ای فاطمه! اینکه مردم تو را دختر محمد خطاب می‌کنند و دارای ظاهری چون جباران هستی (گردنبدنی که به گردن داری) ترا غرّه نکند». سپس اسماء می‌گوید: «فاطمه س گردنبدن را باز کرد و آن را فروخت و با آن برده‌ای خرید و او را آزاد ساخت.» رسول خدا از این عمل مسرور شدند.

طبرانی از اسماء در کتابش نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان من شفاء المرء فی الدنيا ثلاثة؛ سوء الدار و سوء المرأة و سوء الدابة» «بدبختی مرد در دنیا در سه چیز است». اسماء می‌پرسد: «یا رسول الله سوء الدار چیست؟» فرمود: «ضیق ساحتها و خبث جیرانها»، «کوچک بودنش و پلید بودن همسایگانش». سپس می‌پرسد: «بد بودن

چهارپا (وسیله حمل و نقل) به چه معناست؟» فرمود: «پشتش برای نشستن راحت نباشد و سخت باشد و پهلوهایش هم خوب نباشد». سپس اسما می پرسد: «بدی همسر (زنش) در چیست؟» فرمود: «عقم رحما و سوء خلقها»، «بد اخلاقی و نازا بودنش» (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۵۳).

درباره وظیفه زنان در خارج شدن از احرام، اسما از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین نقل می کند که فرمود: «یا ابنة عمیس! لا غسل علیکن و لا جمعة و لا حلاق و لا تقصیر الا ان تأخذ احداکن لنفسها أو من کان منها بمحرم من أطراف شعرها مقدم رأسها یوم النحر اذا حجت» (همان جا). «ای دختر عمیس! برای شما زنان غسل واجب نیست و انجام دادن سر تراشیدن و بریدن سر حیوان برای خروج از احرام نیست فقط در روز عید قربان اندکی از موی خود بچیند».

۷. اسما بنت یزید بن سکن انصاری، یکی دیگر از زنان صحابی راوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در فضیلت و مقام و شهامت و شجاعت او بزرگان بسیار گفته اند. او از زنان بسیار عاقل، فاضل، مؤمن، فصیح و بلیغ بود و در میان زنان صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله منزلتی رفیع داشت و بیش از هشتاد حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موضوعات مختلف روایت کرده است از جمله: نهی از کشتن فرزند (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۱۶)؛ بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۴۵۹؛ کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۶۶)؛ وقایع زمان دجال (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۴۵۳)؛ چگونگی نماز میت (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۶۲)؛ ایجاد مسجد (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۱۶)؛ اسم الله الاعظم (ابن ماجه ۱۹۷۵: ج ۲، ۱۲۶)؛ هشدار به زنانی که نعمت خدا را شکر نمی کنند و در بلا صبر ندارند و کفران نعمت می کنند (ابن حنبل، پیشین، ۴۵۲، ۴۵۸؛ طبرانی، پیشین، ۱۶۸)؛ حرمت نوشیدن شراب نهی از استفاده از طلاجات (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۴۵۳؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۵۸)؛ عقیقه (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۴۵۶)؛ غیبت (همان جا، ۴۶۱)؛ به عهده گرفتن امر یتیمان؛ تشویق و ترغیب زنان به تسبیح؛ تهلیل و تقدیس خداوند با به کار گرفتن انگشتان؛ بیان حد لباس رسول الله صلی الله علیه و آله؛ اکرام و احترام کردن بانوان و سایر موارد را شامل می شود (همان جا، ۴۵۸-۴۵۲؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۸-۱۵۷، ۱۶۴).

این صحابی جلیل القدر از جمله فصیح‌ترین اصحاب پیامبر ﷺ بود که در کلام منطوق قوی داشت و در مقام نماینده زنان، خدمت رسول خدا ﷺ می‌رسید و سؤالات را مطرح می‌کرد. در نوبتی که به حضور حضرت رسید، اصحاب در کنار آن حضرت بودند، اسماء عرض کرد: «ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدای شما. من فرستاده و نماینده گروهی از زنان مدینه هستم. آن‌ها می‌گویند که خداوند مهربان شما را برای رهبری همه مردان و زنان مبعوث داشته است و همه ما به شما و خدای شما ایمان آوردیم. وضع ما این گونه است که ما در خانه شوهرهایمان و در پوشش و محدودیت به سر می‌بریم و نیازهای همسر را برآورده می‌کنیم. زمانی را به بارداری و سپس به پرستاری و تربیت فرزندان می‌گذرانیم و از بسیاری امتیازات و فضیلت‌ها محروم هستیم، لکن شما مردان این امتیازات را دارید که می‌توانید در نمازهای جمعه و جماعت حضور یابید و در عیادت بیماران و مراسم تشییع مردگان شرکت کنید و از پاداش معنوی برخوردار شوید و در جبهه و جهاد شرکت جوید که در همه این احوال، نگهداری از مال و زندگی و فرزند به عهده ماست. ما می‌خواهیم بدانیم که آیا ما هم بهره‌ای معنوی داریم و با پاداش شما شریک هستیم؟»

رسول اکرم ﷺ با شنیدن این سخنان روی خود را به طرف یارانی که در مسجد حضور داشتند گردانید و فرمود: «تاکنون سخنی به این زیبایی شنیده‌اید که زنی این گونه مسائل دینی خود را پرسش کند؟» همه گفتند: «گمان نمی‌کردیم، زنی چنین سخن گوید».

رسول خدا ﷺ اسماء را مخاطب قرار داد و فرمود: «به جواب خوب گوش کن و برای زنانی که نماینده آنان هستی این گونه نقل کن: «انَّ حَسَنَ تَبَعُلِ لِرُجُلٍ وَ طَلِبَهَا لِرِضَاعَةٍ وَ اتَّبَاعَهَا لِمُؤَافَقَتِهِ يَعْدَلُ ذَلِكَ كَلَةً» (ابن اثیر [بی‌تا]: ج ۷، ۱۷؛ ابن عبد البر [بی‌تا]: ج ۱، ۶۶). «خوشرفتاری هر یک از شما با شوهرش و جلب رضایت او و هماهنگی با وی با (حضور در جمعه و جماعت و جهاد) معادل و پاداش آن نیز به همان میزان است».

نمونه دیگر احادیث نقل شده از اسماء بنت یزید بن سکن چنین است: اسماء می‌گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ سِرًّا فَان...» (ابن اثیر [بی‌تا]: ج

۱۶، ۷) «فرزندانتان را پنهانی به قتل نرسانید» یعنی عملی انجام ندهید که سبب مرگ جنین شود. از اسماء بنت یزید بن سکن نقل شده که گفت: «من و خاله‌ام به حضور رسول الله ﷺ رسیدیم و دو دستبند از طلا داشتیم». حضرت فرمود: «أتؤدیان زکاته؟» «زکاتش را داده‌اید؟» گفتیم: «نه». فرمود: «أفتحبان أن یسورکما الله سوارین من نار. أذیا زکاته» «پس دوست دارید که خداوند دو دستبند از آتش به دست شما ببندد؟ زکاتش را بدهید».

درباره بیعت با زنان، اسماء می‌گوید: من و تعدادی از زنان در روز حدیبیه با پیامبر ﷺ بیعت کردیم، آن حضرت فرمود: «انی لا اصافح النساء و لکن انما آخذ علیهن بالقول» (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۴۵۹) «برای بیعت با زنان دست نمی‌دهم بلکه از طریق گفتار بیعت می‌کنم».

از اسماء نقل شده که گفت: «در جمعی از بانوان بودیم که پیامبر از کنار ما می‌گذشت، بر ما سلام کرد» (ابن ماجه ۱۹۷۵: ج ۲، ۱۲۲۰). در نهی از تکلف و تعارف دروغین کردن، اسماء چنین نقل می‌کند که پیامبر برای ما غذا آورد و فرمود: «بفرمایید». گفتیم: «میل نداریم». آن حضرت فرمود: «لا تجمعن جوعاً و کذباً» (همان جا، ۱۰۷) «گرسنگی و دروغ گفتن را با هم جمع نکنید» (یعنی در حالی که گرسنه هستید چرا به دروغ می‌گویید که میل نداریم). و درباره غیبت، اسماء از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حدیثی نقل می‌کند که فرمود: «هر که خویشتن را از نخوردن گوشت برادرش با غیبت نکردن باز دارد، خداوند او را از آتش جهنم باز می‌دارد».

اسماء بنت یزید از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که فرمود: «من بنی لله مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۱۶) «هر که در راه خدا مسجدی بنا کند، خداوند در بهشت برای او خانه‌ای می‌سازد».

شهر بن حوشب از اسماء نقل می‌کند که شنیدم، رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: «من شرب الخمر لم یرض الله عند اربعین یوماً، ان مات، مات کافراً و ان تاب تاب الله علیه و ان عاد کان حتماً علی الله ان یسقیه من طینة الجنات قلت: یا رسول الله و ما طینة الجنات؟ قال: صدیة اهل النار» (ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۴۶۰؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴،

۱۶۸) «هر که شراب بنوشد، خداوند تا چهل روز از او راضی نخواهد شد و اگر در این فاصله بمیرد، کافر مرده است و اگر توبه کند خداوند به او رو می‌کند و اگر دوباره شراب بنوشد بر خداوند است که او را تشنگی اهل جهنم بچشاند».

۸. اُمّامة دختر حمزة بن عبدالمطلب بن هاشم، هاشمی قُریشی است و مادرش سلمی بنت عُمیس خثعمی، خواهر اسماء بنت عُمیس است (ابن سعد [بی تا]: ج ۸، ۴۸، ۱۵۸). نام دیگر وی فاطمه و کنیه اش ام الفضل است. اُمّامه در مکه اسلام آورد و از همسر مشرکش جدا شد و همراه علی علیه السلام و فاطمه زهرا و فاطمه بنت اسد سلام الله علیهما به مدینه مهاجرت کرد. او از زنان صحابی و راویان پیامبر صلی الله علیه و آله بود که حدیث منزلت — انت منی به منزلت هارون من موسی — را درباره امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و حدیثی درباره تقسیم ارث یک برده که هنگامی که از دنیا رفته و دختری داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله ارث او را میان مولایش و دخترش نصف کردند (طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۳۵۷-۳۵۳).

۹. اُمیمه (فاطمه) دختر خطاب بن نفیل قریشی، خواهر عمر بن خطاب، یکی دیگر از این زنان راوی احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله است. وی یازدهمین فردی بود که با همسرش سعید بن زید در مکه مسلمان شد و این امر قبل از اسلام آوردن برادرش عمر بود؛ امیمه اسلام آوردن خود را از برادرش پنهان می‌کرد (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۲۱۵؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۳۸۱، ۲۴۰؛ ابن سعد [بی تا]: ج ۸، ۲۶۷؛ ابن عبد البر [بی تا]: ج ۴، ۴۴۷) و اجازه نداد که عمر بن خطاب — چون مشرک بود — به قرآن دست بزند و به سبب ایمانش از برادر خود سیلی خورد (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۴۱۵؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۳۸۱؛ کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۰). اُمیمه با اسلام آوردن خویش خدمت بزرگی به اسلام و مسلمانان کرد، وی پیوسته زنان قریش را به پیروی و اسلام آوردن تشویق می‌کرد و بسیاری از زنان و مردان (از جمله برادرش) به وسیله او مسلمان شدند. وی از زنان بافضیلت، ادیب، فاضل، عاقل، خیر، آمر به معروف و ناهی از منکر و دارای ایمان قوی و ناقل احادیثی از پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله بود و فاطمه خزاعی از او روایت کرده و شیخ طوسی اُمیمه را در زمرة صحابیات رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد کرده است (طوسی ۱۳۸۱: ۳۴؛ مامقانی ۱۳۵۲: ج ۳، ۷۰).

ابن حجر حدیثی از اُمیمه در هشدار اخلاقی عرفانی به امت از رسول خدا صلی الله علیه و آله با چنین مضمون نقل می‌کند که سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول «لا تزل امتی بخیر ما لم ینظر فیهم حب الدنیا، علماء فساق و قرءاء جُهاال و جبابرة. فاذا ظهرت خشیت أن یعمهم الله بعقاب» «تا زمانی که میان امت من علاقه به دنیا و فاسق‌ترین عالمان و جاهل‌ترین قاریان و گردنکشان باشند، به خیر نخواهند رسید، آن‌گاه که چنین شود، می‌ترسم که خداوند آن‌ها را به عقاب آن‌کس گرداند» (ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۳۸۱) (یعنی حقیقت را نبینند).

۱۰. حَمَنَة بنت جَحْش، که از زنان صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله و هجرت‌کنندگان به مدینه و بیعت‌کنندگان با پیامبر بود، خواهر زینب بنت جحش همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ام حبیبیه بنت جحش بوده است. او نیز از زنان راوی حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله است. وی در جنگ‌ها برای آب دادن به تشنگان و مداوای مجروحان شرکت می‌جست، پیامبر صلی الله علیه و آله از غنایم جنگ سهمی به او دادند. در جنگ اُحد برادرش عبدالله بن جحش و دائیش حمزة بن عبدالمطلب و همسرش مصعب بن عمیر شهید شدند و او با بزرگواری صبر و استقامت پیشه کرد (ابن سعد [بی‌تا]: ج ۸، ۴۴۱)؛ وی احادیثی در احکام زنان (ابن حنبل [بی‌تا]: ج ۶، ۳۸۱؛ ابن‌عساکر [بی‌تا]: ج ۴، ۴۸۲)؛ صدقه دادن به فقیر حتی با کمترین مقدار، به جهنم رفتن کسی که فریفته دنیا شود (هندی [بی‌تا]: ج ۶، ۳۸۱)، را نقل کرده است.

همه که دچار عادت ماهانه طولانی بود، نزد رسول الله صلی الله علیه و آله به خانه خواهرش رفت تا وضع خویش را بگوید و وظیفه خود را در عبادات پرسش کند. او می‌گوید: «عرض کردم عادت ماهانه طولانی دارم، این امر مرا از نماز و روزه بازداشته، تکلیفم چیست؟» سپس چگونگی بررسی میزان حیض را فرمود و حمته پاسخ گفت. پس از آن

تعداد روزهای عادت را مشخص فرمود و بعد از آن میزان پاکی را فرمود و توضیح داد که در دوران پاکی نماز بخوان و روزه بگیر. سپس شرایط استحاضه را در صورت ادامه یافتن آلودگی زن گفت و چگونگی عبادت را در آن شرایط بیان فرمود (ابن عبدالبر [بی تا]: ج ۴، ۴۸۲؛ ابن حنبل [بی تا]: ج ۶، ۳۸۱).

۱۱. حَولاء، دختر تُویت قریشی معروف به عطاره، اسلام آورد و از صحابیات و راویان پیامبر ﷺ شد، او به مدینه مهاجرت کرد و از بانوان متعبد و پارسا بود و شغلش عطر فروشی بود. احادیثی از رسول الله ﷺ روایت کرد. او نزد آن حضرت می رفت و درباره عظمت الهی سؤال می کرد، پیامبر ﷺ به او پاسخ می گفتند، کلینی نیز این گفتار را نقل کرده است (کلینی [بی تا]: ج ۸، ۱۵۳) از جمله احادیثی که حولا از رسول الله نقل کرده این هاست: «روزی حولاء در انجام کاری، اطاعات همسرش را نکرد و مورد خشم او قرار گرفت، سپس نزد رسول خدا رفت و جریان را برای آن حضرت بیان کرد.» پیامبر ﷺ فرمود: «برو و از همسرت اطاعت کن.» حولاء گفت: «آیا این کار اجر دارد؟» آن حضرت فرمودند که اطاعت از همسر و جلب رضایت او برابر حضور مردان در جهاد است. سپس پیامبر ﷺ حق زن بر شوهر و حق شوهر بر زن را چنین بیان فرمود: «یا حولاء ما من امرأةٍ ترفع عینها الی زوجها بالغضب الا کحلت برمادٍ من نار جهنم...» «یا حولاء والذی بعثنی بالحق نبیاً ما من امرأةٍ تخرجُ من بیتها بغیر اذن زوجها تحضر عرساً الا أنزل الله علیها أربعین لعنة عن...» «یا حولاء والذی بعثنی بالحق نبیاً و رسولاً کلّ امرئةٍ صبرت علی زوجها فی الشدة والرخاء وکانت مطیعة له، ولأمره، حشرها الله تعالی مع امرئة ایوب» «ای حولا چنانچه زنی به شوهرش با چشم غضب بنگرد، (در قیامت) چشم او را با خاکستر آتش جهنم سرمه می کنند. ای حولا قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری و رسالت برانگیخت، چنانچه زنی به شوهرش حرف بد بزند، در قیامت با زبانش آویزان خواهد شد و او را به بند آهنین می کنند. ای حولا قسم به آنکه مرا به حق پیامبر برانگیخت؛ چنانچه زنی دستش را دراز کند که موی شوهرش را بکشد یا بکند یا بخواد لباس او را پاره کند، خداوند دستهای او را به آهن آتشین خواهد کشید.

چنانچه زنی بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود و در مجلسی (چون عروسی) حاضر شود، جز این نخواهد بود که خداوند چهل لعنت از راست و چهل لعنت از چپ برایش بفرستد. با هر قدمی که برمی دارد غرق در لعنت شود. اگر بدون رضایت شوهر روزه مستحب بگیرد، گناهکار خواهد بود. بدون اجازه همسر از مالش نباید صدقه بدهد. زنان را نشاید که خواهش بیش از حد توان شوهر از او داشته باشند و از شوهر نزد هیچ کس شکایت نکنند. زینت خود را جز برای همسرانتان آشکار نکنید».

در این حدیث طولانی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وظایف زن را در قبال همسرش بیان می فرماید و اینکه باید رعایت ادب و احترام یکدیگر را بنمایند. حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «زنان مهریه شان را سنگین نگیرند». و همچنین نیز آن حضرت فرمود: «ای حولا! هر کدام از شما زنان که به خدا و روز قیامت ایمان می آورد، نباید که زینتش را جز برای شوهرش آشکار کند و حجابش را برای شوهرش و محرّمش بر ندارد و اگر زنی نزد مرد نامحرم چنین کند، همانا دینش را فاسد کرده و خداوند او را به سبب عملش خوار خواهد کرد».

پس از بیانات رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حولا می گوید: «آیا این دستورات شامل مردان نیز می شود؟» آن حضرت فرمود: «بله». حولا می پرسد: «حق زن بر مرد چیست؟» رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آخرنی أخی جبرئیل و لم یزل یوصینی بالنساء حتی ظننت أن لا یحل لزوجها أن یقول لها أف. یا محمد اتق الله عزوجل فی النساء فانهن أعوان بین یدیکم اخدموهن (أخدموهن) علی امانات الله... لا تکرهوا النساء و لا تسخطوا بهنّ و لا تأخذوا مما آتیتموهن شیئاً الاّ برضاهن و اذنهن و ان عنفتم علیهن فان الله یوم القیمة یعذبکم عذاباً ایماً...» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۷۷؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۲۷۸) «برادرم جبرئیل مرا خبر داد و پیوسته درباره زنان سفارش می کرد، به قدر که گمان کردم که مرد حق ندارد به زنش أف بگوید. ای محمد درباره زنان تقوای الهی پیشه کنید که آنان کمک های شما هستند، با آنان طبق اینکه امانت خدا هستند، رفتار کنید... نسبت به همسران اکراه نداشته باشید و بر آنها سخت نگیرید و چیزهایی که به آنها داده اید را هرگز بدون رضایتشان پس نگیرید و اگر چنین کنید و به زور از آنان پس بگیرید، خداوند روز

قیامت شما را عذاب دردناکی خواهد کرد. اگر سیلی به آن‌ها بزنید در قیامت خداوند، صاحب روز جزا، به نگهبانان آتش امر می‌فرماید که بارها شما را با آتش جهنم سیلی بزنند. اگر مردی موی همسر مسلمانش را بکند یا بکشد، کف دستش را ریسمان آتشین به بند کشیده خواهد شد».

این گونه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ظایف زن به شوهر و وظایف شوهر به زن بیان فرمودند. همچنان که ملاحظه می‌شود، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حواله سفارش می‌کنند که از همسرش اطاعت کند، بدون رضایت او از خانه خارج نشود، مالش را بدون رضای او خرج یا انفاق نکند، مهریه را سنگین نگیرد، زینتش را جز برای او آشکار نسازد، بر همسرش سخت نگیرد و بیش از طاقت او از او انتظار نداشته باشد و برای تقرب به خدا خدمت همسرش را انجام دهد. بر سختی و تندی و یا سستی او صبر کند همان گونه که همسر حضرت ایوب صبر کرد، چنین زنی در روز قیامت با همسر ایوب محشور خواهد شد.

در بیان درس اخلاق، حواله حدیثی روایت می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «انَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۷۷-۷۶) «خوش قولی از ایمان است».

۱۲. خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا ام المؤمنین، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی قرشی اُسدی و فاطمه بنت زانده بن الأصم بود که در سال ۶۸ قبل از هجرت در خانوادهٔ مجد و سیادت و ریاست به دنیا آمد و بر اخلاق نیکو پرورش یافت و به حزم و عقل و عفت متصف شد تا جایی که قومش او را طاهره نامیدند. در سن ۴۵ سالگی به عقد رسول الله صلی الله علیه و آله درآمد.

نقش و حمایت بسیار با ارزش خدیجه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا در زندگانی، دعوت‌ها و تهدیدهای علیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر همگان آشکار است. اولین کسی بود که اسلام آورد و در مکه با رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز جماعت به جا آورد و اول زنی بود که ایمان خود را در میان مشرکان اظهار کرد (ابن سعد [بی تا]: ج ۸، ۱۱۷؛ ابن عبدالبر [بی تا]: ج ۴، ۱۸۲۱-۱۸۲۰). وی بانویی صبور، بردبار و مؤمن بود و همه مصیبت‌ها و سختی‌ها را در راه خدا و رسولش

تحمّل و همه سرمایه‌اش را برای نجات مسلمانان و حمایت از اسلام صرف کرد و همواره کمک، یاور و شریک غم‌های پیامبر ﷺ و موجب تسلاى آن حضرت بود. رسول اکرم ﷺ بارها او را با عباراتی نظیر: «افضل النساء اهل الجنة؛ خير نساء العالمين» (همان جا؛ ابن اثیر [بی تا]: ج ۵، ۴۳۷) مورد ستایش قرار داد.

احادیثی از آن حضرت درباره توصیف جبرئیل عليه السلام و خصلت‌هایی از علی عليه السلام و جایگاه فرزندان او که از دنیا رفته بودند (در عالم برزخ) نقل کرده است (ابن اثیر [بی تا]: ج ۵، ۴۳۷؛ ابن عبدالبر [بی تا]: ج ۴، ۱۸۲۰؛ مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۶، ۱۱). نمونه‌ای از این احادیث چنین است. مجلسی می‌نویسد که دار قطنی به سند خود از ابن عباس از خدیجه رضی الله عنها روایت کند که گفت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانِي فِي عَلِيٍّ خِصَالًا تِسْعًا، ثَلَاثًا فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثًا فِي الْآخِرَةِ وَ ثَلَاثًا اِئْتِنَانِ أَنَا مِنْهَا آمِنٌ وَ وَاحِدَةٌ أَنَا مِنْهَا وَجِلٌّ، قَالَتْ خَدِيجَةُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَخْبَرَنِي بِهَذِهِ التَّسْعَةِ مَا هِيَ؟ قَالَ لَهَا النَّبِيُّ ﷺ: أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الدُّنْيَا يَقْضِي دِينِي وَ يَنْجِزُ مَوْعِدِي وَ يَسْتُرُ عَوْرَتِي، وَ أَمَّا الثَّلَاثُ الَّتِي فِي الْآخِرَةِ فَتُكَايِي يَوْمَ تَحُلُّ شَفَاعَتِي وَ الْقَائِمُ عَلَيَّ حَوْضِي وَ قَائِدُ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَ أَمَّا الْاِئْتِنَانِ الَّتِي أَنَا مِنْهَا آمِنٌ فَلَا يَزُجَعُ ضَالًّا بَعْدَ هُدْيٍ، وَ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُعْطِينِي رَبِّي فِيهِ الَّذِي وَعَدَنِي، وَ أَمَّا الْوَاحِدَةُ الَّتِي أَنَا مِنْهَا وَجِلٌّ فَمَا يَصْنَعُ بِهِ قُرَيْشٌ بَعْدِي» (مجلسی ۱۴۰۳: ج ۲۸، ۸۳). «شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «خداوند نه خصلت درباره علی عنایت فرمود. سه خصلت در دنیا و سه خصلت در آخرت. در مورد سه خصلت دیگر، از دو تای آن در امانم و از یکی از آن‌ها بیمناکم. خدیجه گفت: «پدر و مادرم فدایت اما آن نه چیز چیست؟ به من بگو.» پیامبر ﷺ فرمود: «آن سه تای مربوط به دنیا، عبارت‌اند از: ادا شدن دینم، کامل شدن زمانم و پوشیده شدن زشتیهایم؛ و سه تای مربوط به آخرت عبارت‌اند از: تکیه زدن در روزی که شفاعتم گشاینده است، ایستادنم در کنار حوض، و هدایت کردن امتم به طرف بهشت. آن دو که من از آن‌ها در امانم، عبارت‌اند از عدم ضلالت پس از هدایت، و دیگر اینکه نمی‌رم تا خداوند آنچه به من وعده داده، به من بدهد؛ و آن یکی که از آن بیمناکم، رفتاری است که قریش بعد از من با او خواهند داشت.»

۱۳. خَیْرَةُ دَخْتَرِ اَبِي حَدَرْدَةَ اسلمی (ام الدرداء) که از زنان صحابی مؤمن، فاضل، عاقل، متدین و پرهیزکار رسول خدا ﷺ بود. از دریای علم و معارف پیامبر ﷺ بهره فراوان گرفت و احادیثی از آن حضرت روایت کرد. خیره در بیان حدیثی در اخلاق از آن حضرت می‌گوید: «سمعت رسول الله ﷺ يقول: «انَّ اَفْضَلَ ما یَوْضَعُ فی المِیزانِ یومَ القِیامَةِ الخَلْقُ الحَسَنُ» (ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۲۹۵؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۲۰۵). «برترین چیزی که در قیامت مورد سنجش قرار می‌گیرد، اخلاق نیکوست». نیز خیره از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «دعای مظلوم دربارهٔ برادرش در پنهانی مستجاب است» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۳۱۶؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۲۵۴). در مذمت شراب می‌گوید: «هر که شراب بنوشد تا چهل روز خداوند از او راضی نشود و اگر بمیرد در حال کفر مرده است» (مبیض ۱۴۱۰: ۳۵۷).

۱۴. دُرَّة دَخْتَرِ اَبِي لَهَب، دختر عموی رسول خدا ﷺ بود، بر خلاف کفر خانواده‌اش مسلمان شد و به مدینه هجرت کرد. با آنکه پدرش از دشمنان سرسخت اسلام بود، دُرَّة با شهادت ایمان خود را حفظ کرد و با همه سختی و مشکلات جلای وطن نمود. دُرَّة از راویان پیامبر اکرم ﷺ و بسیار مورد عنایت آن حضرت بود. علی بن ابی طالب و حارث بن نوفل (همسرش) قول او را نقل کرده‌اند (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۱۰۳؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ج ۴، ۲۹۷). طبرانی حدیثی نقل می‌کند که رسول الله ﷺ به او فرمود: «أَغْضَبَ اللّهُ مَنْ أَغْضَبَكَ» (مبیض ۱۴۱۰: ۳۶۰) «خدا را به خشم می‌آورد هر که تو را به خشم آورد».

پیامبر ﷺ در مقابل آزار دست و زبان دشمنان او را تسلی می‌داد و به او می‌فرمود: «انت مِنی و انا مِنک» «تو از منی و من از تو».

این عبارت رسول اکرم ﷺ گویای عظمت مقام دُرَّة نزد آن حضرت است. با داشتن چنان پدر و خانواده‌ای، پذیرفتن اسلام و ثابت قدم ماندن در آن، نشانهٔ ایمان قوی اوست. در درستی گفتار چنان بود که امیرالمؤمنین علیه السلام از وی روایت کرده است. نمونهٔ احادیثی که دُرَّة بنت ابی لهب روایت کرده است، عبارت‌اند از: «خَیْرُ النَّاسِ اَتَقَاهُمْ و اَمْرَهُم

بالمعروف و انهاهم عن المنکر و اوصلهم للرحم» (ابن اثیر [بی تا]: ج ۷، ۱۰۳؛ ابن حجر ۱۳۵۸: ۲۹۷؛ طبرانی ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۲۵۷). «بهترین مردم کسی است که پرهیزگارترین ایشان و امرکننده ترینشان به معروف و نهی کننده ترینشان از منکر باشد و بیشتر صلۀ رحم کند». این حدیث درباره امر به عبادت خدا و به پا داشتن نماز و دادن زکات و ویژگی های بهترین مسلمانان است «تعبد الله لا تشرك به شیئاً و تقیم الصلاة و تؤتی الزکاة خیر امتی قرنی ثم الذین یلونهم» (همان: ۲۵۸).

نتیجه

ملاحظه می شود، احادیثی که این بانوان نقل کرده اند، تنها به مسائل زنان و احکام مربوط به آن اختصاص ندارد، بلکه در مسائل تربیتی، اخلاقی، بهداشتی، سیاسی، حقوقی، عبادی، دفاعی، همسران رسول خدا ﷺ و حتی چگونگی رفتار با کشته های جنگی و انتقام گرفتن و موارد دیگر بوده است، افزون بر این، زنان صحابی پیامبر اکرم ﷺ در انتقال بسیاری از احادیث به نسل های بعد نقش بسزایی داشته اند و در ایمان به اسلام و پیروی از رسول الله ﷺ همچون مردان بودند و گاه بر آنها سبقت می گرفتند.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، علی بن محمد جزری شیبانی [بی تا]، اسد الغابه فی معرفة الصحابه؛ ۷ ج؛ تحقیق و تعلیق شیخ محمد معوض - شیخ عادل احمد عبدالموجود؛ بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۵۸)، الاصابه فی تمییز الصحابه؛ مکتبه مصطفی محمد، ۱۳۵۸.
- _____، [بی تا]، تقریب التهذیب؛ ۲ ج، بیروت، دار المعرفه.
- _____، [بی تا]، تهذیب التهذیب؛ ۱۲؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن حنبل الشیبانی، احمد [بی تا]، مسند؛ ج ۶، بیروت، دار صادر.
- ابن داود، تقی الدین الحسن بن علی حلی [بی تا]، کتاب الرجال، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه.
- ابن سعد، کاتب واقدی؛ [بی تا]، الطبقات الکبری؛ ج ۸؛ بیروت، دار صادر.

- ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن طاهر [بی تا]، بلاغات النساء؛ بیروت، دار الحدائث
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله [بی تا]، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ تحقیق علی محمد البجاوی؛ ۴ ج، مصر.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (۱۹۷۵)، سنن ابن ماجه؛ دار احیاء التراث.
- اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳)، جامع الرواة، بیروت، دارالاضواء.
- بخاری، محمد بن اسماعیل [بی تا]، صحیح البخاری؛ بی جا.
- حسون، ام علی و محمد (۱۴۱۱)، اعلام النساء المؤمنات، انتشارات اسوه.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴)، امالی، ترجمه کمره‌ای، کتابخانه اسلامی، تهران.
- _____، (۱۴۰۳)، الخصال، علی اکبر غفاری، ۲ ج، قم، جماعة المدرسين.
- _____، [بی تا]، من لا یحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ ۴ ج، چاپ دوم، قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴)، المعجم الکبیر؛ تحقیق عبدالمجید السلفی؛ ج ۲۴، چاپ اول (قاهره، مکتبه ابن تیمیه)، چاپ دوم (بیروت، دار احیاء التراث العربی).
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱)، رجال الطوسی؛ نجف.
- غروی نائینی، نهله (۱۳۷۵)، محدثات شیعه؛ تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- فواز، زینب [بی تا]، در المثنوی فی طبقات ربوات الخدور، مصر.
- کحاله، عمر رضا (۱۴۰۴)، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام؛ ۵ ج، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب [بی تا]، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت.
- مامقانی، عبدالله بن محمد حسن (۱۳۵۲)، تنقیح المقال فی علم الرجال؛ ۳ ج، نجف.
- مبیض، محمد سعید (۱۴۱۰)، موضوعة حياة الصحابیات؛ ادلب، مکتبه الغزالی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الانوار؛ ۱۱۰ ج، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- _____، (۱۳۶۳)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول؛ ۲۳ ج، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محلاتی، ذبیح الله [بی تا]، ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه؛ دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- مسلم، قشیری نیشابوری (۱۹۷۲)؛ صحیح مسلم؛ تحقیق نووی، دار احیاء التراث، بیروت.

- موسى خويى، ابوالقاسم [بى تا]، معجم رجال الحديث؛ ٢٣ ج؛ چاپ پنجم، قم، مدينة العلم.
- نساىى، احمد بن شعيب [بى تا]، سنن النساىى؛ دار احياء التراث، بيروت.
- هندى، على المتقى [بى تا]، كترالعمال فى سنن الاقوال و الافعال؛ ١٨ ج، مؤسسه الرساله، بيروت.